

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و نهم 97/01/20

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (45) - تأیید توسل در روایات اهل سنت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با صحبت‌های بن جبرین و دیگر کسانی که در رابطه با کفر شیعه فتوا داده‌اند بود و چند مورد ادله‌ای که این‌ها برای کفر شیعه آورده‌اند به آن اشاره شد و این‌ها را به طور مفصل توضیح دادیم.

آخرین ادله این‌ها این است:

«شركهم الصريح بالغلو في علي وذريته، ودعاؤهم مع الله، وذلك صريح في كتبهم، وهكذا غلوهم ووصفهم له بصفات لا تليق إلا برب العالمين»

فتاوی‌ الشیخ ابن جبرین - (ج 18 / ص 45)

لذا روی این مباحث باید صحبت بشود که این‌ها بحث‌شان چیست این حرفی که می‌زنند

«غلو في علي وذريته»

این یک بحث است

«ودعاؤهم مع الله»

این یک بحث جدایی است این دو تا بحث را عزیزان دقت بکنند، بحث:

«ودعاؤهم مع الله»

همان یا علی گفتن، یا حسن گفتن و یا حسین گفتن این‌ها را می‌گویند شرک است ما این مطالب را مفصل جواب دادیم در بحث یا علی و یا حسین گفتن، دو نکته خیلی کلیدی است.

من در مناظره‌ای که با خود مفتی اعظم عربستان سال 82 در طایف داشتم این مناظره را ضبط هم کردیم ایشان همین بحث را در آن جا داشتند که شما یا علی و یا حسین می‌گویید و این‌ها شرک است.

گفتم خود قرآن از فرزندان حضرت یعقوب دارد:

(یا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا)

سوره یوسف (12): آیه 97

ما هم می‌گوییم

«یا وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله»

فرقش چیست؟ جوابی نداشت همه بحث ما با ایشان ضبط هم شده، گفت آن‌ها در حال حیات پیغمبر صلی الله علیه وآله بود، گفتم چطور شد در حال حیات یا علی، یا حسین، یا رسول الله گفتن شرک نیست ولی بعد از این‌که پیغمبر از دنیا رفت کسی یا رسول الله بگوید شرک شد؟

یعنی وفات پیغمبر یک امر مشروع را تبدیل به یک امر شرکی کرد؟! این چه مسئله‌ای است؟! آیا مشابه این را داریم که یک چیزی در زمان پیغمبر صلی الله علیه وآله مشروع باشد پیغمبر که از دنیا رفت همان امر مشروع شرک بشود.

«حَلَالٌ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج 1 ؛ ص 58، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

ایشان در جواب من گفت پیغمبر از دنیا رفت دیگر قادر نیست نه صدای کسی را بشنود و نه به کسی جواب بدهد! من گفتم اگر ملاک شرک، عجز متوسلٌ الیه باشد این یک امر عبث و باطل است؛ شرک نیست.

«کمن یطلب عن الجدار أن یشبعه»

مثل این که بگوید آقای دیوار، من گرسنه‌ام است سیرم کن! می‌گویند این شخص کار عبثی دارد انجام می‌دهد دیوار نه صدا می‌شنود و نه قدرت دارد سیر کند آیا این شرک است؟ شرک یک ضابطه‌هایی دارد باز هم ایشان معطل ماند بعد از فکر کردن هیچ جوابی نداشت بگوید گفت که شما بهتر دین و اسلام را فهمیدید یا صحابه؟ بعد از این که پیغمبر از دنیا رفت اگر این امر مشروع بود و شرک نبود صحابه کنار قبر پیغمبر می‌آمدند و متوسل می‌شدند یا رسول الله می‌گفتند. گفتم این از شما خیلی مستبعد است ما روایات متعددی داریم صحابه کنار قبر پیغمبر می‌آمدند متوسل می‌شدند یا رسول الله می‌گفتند.

بلال ابن حارث می‌گوید:

«یا رسول الله استسق الله لأمتك فإنهم قد هلكوا»

البدایة والنهایة - ابن کثیر - ج 7 - ص 105 و تاریخ مدینة دمشق - ابن عساکر - ج 44 - ص 345 - 346 و الإصابة - ابن حجر - ج 6 - ص 216 و تاریخ الإسلام - الذهبی - ج 3 - ص 273 و شفاء السقام - تقي الدين السبكي - ص 312 و...

پیغمبر را خواب می‌بیند می‌گوید توسل تو مقبول شد و باران می‌آید. به عمر از قول من سلام برسان! بلال ابن حارث نزد عمر می‌آید و سلام پیامبر را می‌رساند و عمر گریه می‌کند می‌گوید خدایا آنچه که از دست من بر

بیاید کوتاهی نمی‌کنم عمر نگفت شما مشرک شدی صحابه‌ای که در آن جا بودند هیچ کدام نگفتند بلال ابن حارث به قبر متوسل شد و مشرک شد.

وقتی من این روایت را خواندم مفتی اعظم عربستان گفت همه این روایت‌ها جعلی و دروغ است من بارها گفتم ما با خیلی از اساتید و غیره بحث می‌کردیم می‌گفتیم همه‌ی اساتید ما هم تسلط به شبهات ندارند آن‌هایی که گیر ما افتاده شاید بلد نیستند ولی من با مفتی اعظم‌شان که بالاترین مقام علمی و سیاسی‌شان است و بلا تشبیه! بلا تشبیه موقعیتی که حضرت امام در میان ما داشت مفتی اعظم، در میان وهابی‌ها دارد دیدم همان حرف‌هایی که یک دانشجو، معلم، بقال و عطارشان می‌زند مثل همان عبارت را ما از زبان مفتی‌شان شنیدیم! بلافاصله گفتم شما می‌گویید روایت جعلی است ابن حجر عسقلانی، ابن کثیر دمشقی می‌گوید روایت صحیح است.

در کجا است؟ گفتم در فتح الباری، جلد 2، صفحه 412؛ ابن کثیر، البداية، جلد 7، صفحه 105 این شخص هیچ جوابی نداشت به ما بدهد! گفت: این کتاب‌ها را بیاورید بینم این شیخ راست یا دروغ می‌گوید.

کتاب‌ها را آوردند و برایش خواندند دیدند درست هر دو گفتند روایت صحیح است

(فُئِهت الَّذِي كَفَر)

سوره بقره (2): آیه 258

را ما تا آن زمان به این شکل ندیده بودیم! این شخص معطل ماند و نمی‌دانست چه بگوید!

پرسش:

این‌ها می‌گویند این روایت صحیح است و منقبت عمر را می‌رساند.

پاسخ:

هر چه باشد، منقبت عمر یا هر چیز دیگر!

پرسش:

چون سلام رسانده است.

پاسخ:

فعلاً به سلامش ما کاری نداریم سلام رسانده یا نرسانده شما از این استفاده می‌کنید شرک شیعه را ثابت می‌کنید که شما یا علی و یا حسین و یا رسول الله می‌گویید پس این قسمتش را شما قبول دارید یا ندارید؟ پیغمبر اکرم به هر کس می‌رسید سلام می‌گفت به منافقین هم می‌رسید سلام می‌گفت می‌گویند در طول حیات پیغمبر، کسی در سلام بر پیغمبر سبقت نگرفت.

پرسش:

قاعده الزام است برای ما که مشکلی ندارد.

پاسخ:

ما کاری با قسمت بعد آن نداریم که آیا به عمر سلام رساند یا نه؟ شاید این را بنی امیه اضافه کردند ولی آنچه که مراد ما است آمدن و متوسل شدن بلال ابن حارث به قبر پیغمبر است.

پرسش:

عنادشان آن قدر زیاد است که من این روایت را در جواب شبهه یک وهابی فرستادم اصلاً چشمش ندید گفت این جا به هیچ قبری اشاره نشده گفتم مگر کوری؟! مگر نگفته جاء؟! جاء إلى قبر النبي دیگر بیشتر از این چه بگوید؟

پاسخ:

برخی افراد عناد دارند پیغمبر اکرم هم با این ها نتوانست کاری بکند

(فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ)

سوره فاطر (35): آیه 8

ما با آن کاری نداریم ما دو هدف داریم:

یک: حجت را بر این تمام بکنیم شاید خدای عالم ما را واسطه قرار داده حجت برای این ها تمام بشود فردای قیامت اگر خدا خواست این ها را عذاب کند این ها نگویند حق به ما نرسیده تکلیف ما:

(فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ)

سوره نحل (16): آیه 82

ما از پیغمبر صلی الله علیه واله که بالاتر نیستیم.

دوم: طرف مقابل ملاک ما نیست افرادی که ناظر بحث های ما هستند مثلاً من با پرفسور غامدی بحث می کردم این شخص، آدم معاندی بود. این سه جلد کتاب قصه الحوار الهادیء ما 90 درصد مناظرات و مکاتباتش با ایشان است. ما یک شب در منزل ایشان بودیم تعدادی از علمای اهل سنت ایران که همراه ما برای

عمره آمده بودند هم حضور داشتند. آقای دکتر زمانی هم با ما بود وقتی داشتیم می‌آمدیم پسر آقای غامدی که مقطع ارشد دانشجوی دانشگاه ام القری بود ما را به هتل رساند ایشان گفت من از اول عمرم معتقد بودم شیعه‌ها، اهل سنت را نجس می‌دانند ولی در بحثی که شما امشب با پدرم کردید من از عقیده‌ام برگشتم و بر من ثابت شد که شیعه‌ها اهل سنت را تکفیر نمی‌کنند.

این برای ما ارزش دارد همه علمای اهل سنت هم در ماشین نشسته بودند بنا نبود بحث‌ها تا به یک نتیجه‌ای نرسیده منتشر بشود ایشان حواژ هادیء را نوشت ما هم نوشتیم قصة الحوار الهادیء وقتی کتاب ما را خواند دق کرد و مرد دیگر نتوانست بماند!

ما کاری با این که طرف قبول می‌کند یا نمی‌کند نداریم برای ما فرقی نمی‌کند اگر قبول کند که خیلی خوب است، ما خوشحال هستیم که یک نفر را توانستیم نجات بدهیم.

پرسش:

در کلمه من دون الله، می‌گویند دعوت کردن از من دون الله آیا شامل ملائکه، ائمه و صلحاء و همه می‌شود؟

پاسخ:

وقتی شما می‌گویید پسر من به من آب بده به همسرت می‌گویی برای من غذا درست کن این من دون الله است یا نه؟ پس شما روزانه هزار تا شرک انجام می‌دهید، شما می‌گویید پسر من به من آب بده آیا این من دون الله است یا نه؟ واضح و روشن است، این صحابی که به قبر پیغمبر صلی الله علیه واله متوسل شده آیا نمی‌دانست من دون الله است؟

یکی از بحث‌هایی که خیلی ضرورت دارد دوستان بدانند و آماده داشته باشند وهابی‌ها و آن‌هایی که نمی‌فهمند ما با آن‌ها کاری نداریم با آن‌هایی که می‌فهمند می‌گویند توسل مشروع و توسل غیر مشروع داریم مثلاً اگر ما

بگوئیم یا رسول الله، از خدای عالم بخواه فلان حاجت ما را بدهد این اشکالی ندارد. ولی اگر بگوئیم یا رسول الله حاجت من را بده این استغاثه و شرک است مستقیم از امام بخواهد بعضی از آقایان حتی حضرت آیت الله العظمی سبحانی حفظه الله تعالی در آثارشان خیلی تأکید دارد که بگوئید ما از ائمه می‌خواهیم که از خدا بخواهند من حدود چهارده سال قبل در شبکه المستقله سه شب بحث داشتم قبل از من بعضی از شیعیان آن جا همین را بحث کرده بودند. دکتر تیجانی، دکتر ابو زهرا، دکتر موسوی و غیره من به صراحت آن جا گفتم آقا عقیده شیعه این است توسل هم از امام حسین بخواهیم از خدا بخواهد مشروع است هم از امام حسین بخواهیم مستقیم حاجت ما را بدهد مشروع است، چون امام حسین به اذن الله تبارک و تعالی و به قدرته قادر است حاجت ما را بدهد.

به حضرت عیسی علی نبینا وآله وعلیه السلام مثال می‌زنیم. یک کسی می‌گوید یا عیسی فرزندم مرده زنده‌اش بکن این هم استغاثه است و هم یک کاری است که:

«لایقدر علیه الا الله»

بحث احیاء اموات است حضرت عیسی فرزند این شخص را زنده می‌کند این شرک است یا نه؟ اگر شرک است پس قرآن این شرک را تأیید کرده، یا عیسی فرزندم را زنده کن عیسی که فرزند او را زنده می‌کند باذن است یا به اذن الله است؟ اگر باذن باشد شرک و کفر است شکی در آن نیست اگر به اذن الله است خدای عالم، این قدرت را به حضرت عیسی داده ما هم معتقد هستیم خدای عالم، به ائمه علیهم السلام این قدرت را داده.

نهایتاً شما بگوئید آقا اجتهاد شما غلط است اجتهاد ما غلط است

«من اجتهد فأخطأ فله اجر واحد»

دیگر شرک و کفر و قتل و امثال این معنا ندارد. خیلی واضح و روشن است. یعنی این یک بحثی است که یک بچه چهار پنج ساله هم می‌فهمد، پیرمرد 95 ساله هم می‌فهمد آن کسی که در بیابان زندگی می‌کند با فرهنگ آشنایی ندارد می‌فهمد استاد دانشگاه هم می‌فهمد یعنی بحث‌ها را نباید با الفاظ سخت مطرح بکنیم که طرف نفهمد یا شروع به توجیه کردن کند که توجیهی ندارد.

حتی بعضی از آقایان گفتند چرا این‌طور گفتی؟ گفتم عقیده این است وقتی ما

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اَكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ»

می‌گوییم مستقیم از ائمه می‌خواهیم ما روایات متعدد در رابطه با استغاثه از اهل بیت علیهم السلام داریم و اضافه بر این یکی از بحث‌هایی که من خیلی دوست دارم عزیزان خوب رویش کار بکنند همین بحث است.

پرسش:

از آن حدیث قدسی در این‌جا می‌شود استفاده کرد که خداوند سبحان می‌گوید **عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی**

پاسخ:

آن را قبول ندارند و سند آن‌چنانی ندارد ولی آن‌چه که وجود دارد این است ما بعد از این‌که این بحث‌ها را مطرح می‌کنیم دقت بکنیم از منابع اهل سنت در مورد مشروعیت استغاثه و نتیجه استغاثه مطلب به دست بیاوریم، مشروعیت استغاثه از دیدگاه اهل سنت این برای ما مهم است!

پرسش:

ابو حنیفه به قبر امام صادق استغاثه کرد ابن حبان هم به قبر امام رضا علیه السلام استغاثه کرد.

پاسخ:

نه! برای ابن حبان این طوری نیست. شعری نگوییم در قافیه‌اش گیر کنیم ابن حبان می‌گوید وقتی مشکلی برایم پیش می‌آمد در حرم حضرت رضا می‌رفتم دعا می‌کردم، دعایم به اجابت می‌رسید از خدا می‌خواستم خدا به برکت امام رضا و حرم امام رضا مشکلم را بر طرف می‌کرد.

پرسش:

روایتش استاد زرنه کراراً ومراراً

پاسخ:

نه! وقد زرنه مراراً را در این رابطه نمی‌گوید. می‌گوید هر وقت مشکلی برای من درست می‌شد در حرم امام رضا دعا می‌کردم در کتاب تعبیرش چه است؟

«و قد زرنه مراراً كثيرة و ما حلت بي شدة في وقت مقامى بطوس فزرت قبر على بن موسى الرضا صلوات الله على جدّه و عليه و دعوت الله»

ثقة ابن حبان، جلد 8، صفحه 456.

ببینید این مهم است

«دعوت الله ازالتهما عنى الا استجيب لى و زالت عنى تلك الشدة و هذا شئ جرّته مراراً»

این:

«جرّته مراراً فوجدته كذلك»

مهم است!

«دعوت الله ازلتها عنى»

این به درد مشروعیت توسل و زیارت می‌خورد نه استغاثه.

دو تا بحث است ما باید روی این دو تا بحث در مسئله توسل تمرکز کنیم یکی این که میت صدای ما را می‌شنود یا نمی‌شنود؟ انبیاء و اولیاء صدای ما را بعد از رحلت‌شان می‌شنوند یا نمی‌شنوند؟ این باید برای ما محرز بشود چهار تا، پنج تا دلیل محکم داشته باشیم که انبیاء و اولیاء و مردگان صدای ما را می‌شنوند.

این مطلب خیلی مهم است بحث سماع موتی از بحث‌های ریشه‌ای است اگر قضیه سماع موتی را ما بتوانیم با وهابیت یا با سلفی‌ها حل کنیم در حقیقت پنجاه قدم جلوتر آمدیم در این جا ما مفصل حتی از خود ابن تیمیه داریم نه تنها پیامبران، بلکه مرده‌ها هم صدای ما را می‌شنوند.

پرسش:

اگر صدا را نشنوند صلوات گفتن بر پیامبر و سلام گفتن بر حضرت هم دچار مشکل می‌شود.

پاسخ:

وهابی‌های جدید در نمازهای‌شان به جای السلام علیک السلام علی النبى می‌گویند قضیه را عوض کردند یعنی صورت مسئله را عوض کردند شما به قدری اشکال کردید آن آقایان السلام علیک را السلام علی النبى کردند حتی بعضاً در مسجد الحرام بعضی از ائمه‌شان در نماز السلام علی النبى می‌گویند.

پرسش:

باز هم سلام می‌دهند

پاسخ:

السلام علی النبی اشکالی ندارد مهم این است که السلام علیک گفتن دلیل بر شنیدن است این یک بحث مهمی است . بحث استغاثه، قضیه استغاثه را ما باید حل کنیم که آیا مستقیم از امام و پیغمبر خواستن مشروع است یا مشروع نیست؟

پرسش:

از نظر شیعه شاید ماهیت استغاثه همان ماهیت توسل است یعنی ما در استغاثه از امام می‌خواهیم که به خاطر این که خدا به ایشان اذن داده حاجات ما را می‌دهد.

پاسخ:

این را قبول ندارند می‌گویند خدا چنین اذنی نداده شما باید اثبات کنید که خدای عالم، چنین قدرتی به آنها داده است.

پرسش:

آیا استغاثه زیر مجموعه توسل قرار می‌گیرد یعنی یک نوع توسل است یا بحث استغاثه جدا است؟

پاسخ:

بله، این هم یک نوع توسل است فرقی نمی‌کند، ما از خدا می‌خواهیم خدا مشکل ما را حل می‌کند ولی به واسطه امام. من آب می‌خورم تشنگی‌ام بر طرف می‌شود اگر من معتقد باشم آب، به خودی خود رفع تشنگی می‌کند این شرک است، خدای عالم در آب این خاصیت را قرار داده است که تشنگی را برطرف بکند. یعنی در حقیقت رفع تشنگی به طور مستقل توسط خدای عالم است ولی به واسطه آب. رفع گرسنگی می‌شود ظاهراً من

غذا می‌خورم و گرسنگی‌ام رفع می‌شود ولی در حقیقت خدا در این غذا این خاصیت را قرار داد اگر خدا از این غذا، خاصیت رفع گرسنگی را بر دارد هر چه ما بخوریم سیر نمی‌شویم مثل معاویه که پیغمبر نفرینش کرد

«لا اشبع الله بطنه»

مسند الطیالسی، ج 1، ص 359، اسم المؤلف: سلیمان بن داود أبو داود الفارسی البصری الطیالسی الوفاة: 204

، دار النشر: دار المعرفة - بیروت - -

هر چه می‌خورد سیر نمی‌شد.

ان شاء الله در مورد این دو بحث، یکی در مورد بحث سماع موتی دو روایت با جلد و صفحه در موردش حفظ کنید و بحث دیگر در مورد استغاثه که برای آن هم دو تا سه روایت حفظ کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته